

تبیین حقیقت نماز و تأثیر قوا و افعال نفس انسان بر آن، از دیدگاه ابن سینا

انسیه بتول هادی^۱، فاطمه شریف فخر^۲

چکیده

در عصر حاضر، پیچیدگی‌های زندگی مدرن، کیفیت ارتباط انسان با خدا را تحت تأثیر قرار داده است. انسان با وجود آسایش‌های بسیار مادی بازهم تلاش می‌کند به گونه‌ای این نیاز معنوی را برطرف کند؛ زیرا این نیاز اصلی انسان است که به طور فطری به آن تمایل دارد. ابن سینا فیلسوف و نابغه و نویسنده‌ای پرکار است که در بیشتر آثار خود به تبیین انسان و ابعاد وجودی او پرداخته است. وی آثاری نیز درباره تفسیر قرآن، ذکر، دعا، عبادت به ویژه نماز دارد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی دیدگاه ابن سینا درباره حقیقت نماز و تأثیر قوا و افعال نفس انسان بر آن انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، ابن سینا حقیقت نماز را به معرفت حق تعالی تفسیر می‌کند و آن را به ظاهری و باطنی تقسیم می‌نماید. قوای نباتی با تأمین سلامت جسمانی در نماز ظاهری تأثیر مستقیم دارد و وسیله‌ای برای نماز باطنی است. قوای حیوانی با کنترل مدرکات حسی و خیالی و وهمی انسان نسبت به جهان و خدا و کنترل قوای محرکه، به نماز عمق می‌بخشد. قوای انسانی نیز با ادراک معانی باطنی ادکار و اتصال به عقل فعال، نماز را به بالاترین مرتبه ارتقا می‌دهد.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی، نفس انسان، عبادت، نماز، ابن سینا.

۱. دانش پژوه ارشد کلام اسلامی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Insyahbhadhi۲۱۴@gmail.com

ORCID: 0009-0008-6436-1071

۲. استادیار گروه کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: fateme_shariffakhr@miu.ac.ir

ORCID: 0000-0003-3797-9171



۱. مقدمه

نماز به مثابه ستون دین اسلام است که همواره مورد توجه مکتب اسلام و جامعه اسلامی بوده است. با این حال نوعی بی‌توجهی و غفلت در فهم حقیقت این فریضه الهی مشاهده می‌شود که آن را به مجموعه‌ای از حرکات جسمی تقلیل داده شده است. این در حالی است که در حکمت سینوی، نماز به مثابه «معراج مؤمن» و تجلی‌گاه تعامل تمام ساحت‌های وجود انسان از جسمانی تا عقلانی، مورد توجه قرار گرفته است. نماز فریضه‌ای است که با هر میزان معرفت و تهذیب عملی انسان، کامل‌تر انجام می‌شود و رتبه آن بالاتر می‌رود. بدین ترتیب، شناخت انسان از حیث نظری و عملی می‌تواند در ارتقای بعد نظری و عملی نماز، بسیار تأثیرگذار باشد.

ابن سینا در رساله ماهیه الصلاة با نگاهی عمیق ابتدا قوا و افعال انسان را شرح می‌دهد. سپس حقیقت نماز را بیان می‌کند و در آخر به تحلیل رابطه قوا و افعال نفس انسان با نماز می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین حقیقت نماز و تأثیر قوا و افعال نفس انسان بر آن از دیدگاه ابن سینا است که بیان می‌کند چگونه قوای مختلف و افعال انسانی می‌تواند زمینه‌ساز یا مانع تحقق نماز حقیقی شود.

درباره چگونگی تأثیر قوا و افعال نفس انسان بر نماز از دیدگاه ابن سینا، تاکنون اثری تدوین نشده است، اما در ارتباط با پیشینه عام آن یعنی، انسان‌شناسی و علم النفس ابن سینا و نیز دیدگاه وی درباره نماز می‌توان به مقالات و کتبی اشاره کرد، از جمله: مقالات «انسان‌شناسی ابن سینا» نوشته افسانه لاجینیانی؛ «انسان‌شناسی از دیدگاه ابن سینا» نوشته معصومه الوندیان و علی اله‌بداشتی؛ «علم النفس فلسفی در اندیشه ابن سینا» نوشته علی کریمیان صیقلانی؛ «نوآوری‌های ابن سینا در علم النفس» نوشته محمدعلی دیباجی؛ «علم النفس از نظر ابن سینا و ابن مسکویه» نوشته احمد حسینی؛ «نفس‌شناسی از دیدگاه ابن سینا» نوشته رضا اکبریان؛ «بررسی رابطه نفس و قوا از منظر ابن سینا» نوشته عابدین بزرگی؛ کتاب راز نماز؛ ترجمه و شرح رساله ماهیه الصلاة ابن سینا، اثر حسن ممدوحی؛ مقاله «ماهیت نماز از دیدگاه ابن سینا» منتشر شده در تارنمای ایرنا.

نوشتار حاضر سعی دارد با استفاده متون اصلی ابن سینا به‌ویژه رساله ماهیه الصلاة، الشفاء، النجات والإشارات و منابع دیگر، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که هر یک از قوای نباتی، حیوانی و انسانی نفس انسان چه تأثیری بر نماز دارد؟

مباحث این مقاله، در دو بخش اصلی و سه مبحث اصلی تنظیم شده است: نخست، حقیقت نماز؛ دوم، قوا و افعال انسان (شامل مباحث قوا و افعال نباتی، قوا و افعال حیوانی، قوا و افعال انسانی) و سوم، تأثیر قوا و افعال انسان بر نماز (شامل مباحث تأثیر قوا و افعال نباتی بر نماز، تأثیر قوا و افعال حیوانی بر نماز، تأثیر قوا و افعال حیوانی بر نماز).

۲. حقیقت نماز از نظر ابن سینا

حقیقت نماز شامل مباحث اهمیت نماز، هدف از وضع نماز، واضع نماز، شرایط و آداب نماز و اقسام نماز است.

۲-۱. اهمیت نماز

ابن سینا برای بیان اهمیت و حقیقت نماز از حدیث و قرآن کمک گرفته است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الصلوة عمود الدین؛ یعنی نماز ستون دین است» (مازندرانی، ۱۳۸۲ هـ.ق، ۱/۳۴۰) و دین عبارتند از: تصفیه و تخلیه نفس انسان از کدورات دنیوی و هواهای نفسانی و شیطانی و اعراض کردن از اغراض پست بشری است. بنابراین، دیگر لازم نیست که کلمه «لیعبدون» در آیه شریفه «و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶) را به «لیعرفون» تفسیر کرد؛ زیرا عبادت همان معرفت و شناسایی حق مطلق است (ر.ک.، ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۰۳-۳۰۴).

۲-۲. هدف از وضع نماز

شیخ‌الرئیس در کتاب نجات، هدف از عبادات به‌ویژه نماز را بیان می‌کند. او می‌گوید که وجود پیامبر در همه زمان‌ها ممکن نیست؛ زیرا افرادی با چنین کمالی ندارند. بنابراین، پیامبر صلی الله علیه و آله باید تدابیری برای بقا و حفظ شریعت خود که مصالح جامعه بشری به آن وابسته است، اتخاذ کند. فایده بقاء شریعت این است که انسان‌ها به معرفت خدا بپردازند و یاد معاد را فراموش نکنند. برای

حفظ شریعت، کارهایی باید واجب شود که با تکرار در فواصل معین، شریعت را در ذهن مردم زنده نگه دارد. این کارها باید با یاد خدا و معاد همراه باشد و گرنه سودی نخواهد داشت. یادآوری این معانی فقط از طریق واژگان و نیت‌های قلبی ممکن است. به‌طورکلی، این کارها باید موجب توجه شوند، خواه از طریق حرکاتی مانند نماز خواندن یا عدم حرکاتی مانند روزه گرفتن. روزه، با وجود اینکه معنای عدمی دارد، حرکت طبیعی شدیدی ایجاد می‌کند که فرد روزه‌دار را متوجه نزدیکی به خداوند می‌کند. (ابن سینا، ۱۳۸۵، ص ۳۸۷-۳۸۸)

۲-۳. واضع نماز

نماز نسخه‌ای متناسب با تمامی ابعاد انسانیت انسان است، بدین معنا که با لحاظ نظام فطری و روحی و جسمی او تشریع شده و با تمام عوالمی که انسان در سیر وجودی خود طی می‌کند، سازگار است. از مراحل اولیه رشد و کمالات تدریجی در زندگی دنیایی تا نزول به عالم برزخ و بعث در روز حشر و ورود به سرای جاویدان بهشت، همه در این نسخه لحاظ شده است. چنین نسخه‌ای جز به اعجاز خداوند ممکن نیست و فقط در توان کسی است که در رأس هرم هستی ایستاده و تمامی نشیب و فرازهای هستی در احاطه اوست. هیچ چیز از نظر او پنهان نیست و او به تمام ابعاد انسان و جهان احاطه دارد. (ممدوحی، ۱۳۹۱، ص ۱۹)

۲-۴. شرایط و آداب نماز

والاثرین عبادت، آن است که انجام‌دهنده‌اش، خود را چنان می‌انگارد که با خدای سخن می‌گوید و مناجات می‌کند و به حضور او رسیده، در برابر او سر فرود آورده، و این همان نماز است. برای نمازگزار باید اعمال و حالاتی فرض شود که با آنها آماده نماز شود و این اعمال باید از نوع رفتارهایی باشد که به‌طور معمول انسان به هنگام حضور در مقابل پادشاهی انجام می‌دهد؛ همانند طهارت و نظافت با آداب و قوانین زیاد. در این نماز باید شرایطی فرض شود که انسان در دیدار پادشاهان مراعات می‌کند؛ مانند حالت آرامش و خشوع، بستن چشم، جمع کردن دست و پا، نگاه نکردن به این سو و آن سو و پریشان نبودن. (ابن سینا، ۱۳۸۵، ص ۳۸۹)

۲-۵. اقسام نماز

ابن سینا در رساله ماهیه الصلاة، نماز را به دو نوع ظاهری و باطنی تقسیم کرده و در اشارات، عبادت عارف و غیرعارف را تفکیک نموده است. می‌توان گفت که نماز ظاهری بر عبادت غیرعارف تطبیق می‌شود و نماز باطنی بر عبادت عارف. به عبارتی، نماز ظاهری، یک نوع عبادت غیرعارف است و نماز باطنی، یک نوع عبادت عارف.

۲-۵-۱. نماز ظاهری

نماز ظاهری، نمازی است که شارع برای عموم مردم تشریع کرده و افراد به ادای آن مکلف شده‌اند. این عمل عبادی دارای تعداد، رکعات، ارکان، اعمال و اوقات معینی است. در روایت، این نماز اصل دین شمرده شده و آمده است: «لا ایمان لمن لا صلوٰة له ولا ایمان لمن لا امانة له»^۱.

نماز ظاهری مربوط به جسم انسان است و شامل حرکاتی مانند قیام، رکوع، سجود و تشهد می‌شود، همان‌طور که بدن انسان از عناصر آب، خاک، هوا و آتش تشکیل شده است. این نماز، نمادی از نماز حقیقی و باطنی است که به نفس ناطقه انسان اختصاص دارد. این نماز برای نظم بخشیدن به بدن و تنظیم عالم جسمانی ضروری است و واجب شدن آن بر انسان عاقل و بالغ، از سیاست‌های شرعی است تا جسم با روحش در نیایش با خداوند هماهنگ باشد. همچنین، انجام این نماز انسان را از حیوانات متمایز می‌کند؛ در این مسئله، شرع تابع عقل است و عقل بدین دلیل نفس ناطقه را به نماز حقیقی که همان معرفت و شناخت حق است، ملزم می‌کند. یکی دیگر از علل وجود این نماز آن است که حق تعالی می‌دانست همه انسان‌ها نمی‌توانند به مقام شامخ عقل و به مدارج عالیة انسانیت برسند و از طرف دیگر لازم است آن نفوس برای سیاست و ریاضت بدن، یک نوع تکلیف برای مخالفت کردن با هواهای نفسانی داشته باشد. لذا

۱. این روایت را ابن سینا در متن کتاب آورده است، اما آدرس آن در کتب روایی یافت نشد.

شارع راهی را فراهم نمود و قاعده عقلانی برقرار کرد که همان اعداد معین نماز برای ظاهر انسان است تا به حیوانات شبیه نشود و از آنها متمایز گردد. (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۰۴-۳۰۵)

نماز ظاهری برای کسانی است که در مرتبه نفس حیوانی هستند. وقتی انسان تحت تأثیر قوای حیوانی و طبیعی قرار گیرد و تمام توجهش به لذت‌های جسمانی و منافع مادی معطوف شود، از یاد خدا غافل می‌شود و در مرتبه‌ای پایین‌تر از انسانیت قرار می‌گیرد. (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۰۸)

۲-۵-۲. نماز باطنی

مرتبه دوم نماز، عبارتند از: مشاهده حق تعالی با قلب صاف و نفس مجرد و به دور از عیوب و آرزوهای حیوانی. نماز باطنی، حقیقت روحانی نماز است که همراه با مرتبه ظاهری نماز است؛ یعنی نماز ظاهری، نمودی از حقیقت باطن نماز است چنانکه باطن آن نیز روح همان ظاهر است و آن عبارت است از: افعال و ارکان نماز. این نماز هرچند با هماهنگی و رعایت ظاهر نماز صورت می‌گیرد، اما مخصوص روح انسان است و فقط ارواح پاکیزه می‌توانند آن را انجام دهند. در این نماز، دریافت و شناخت حق تعالی، با قلب صاف و نفس به دور از آمال مادی است و پیدایش آن فقط برای روح مجرد از جمیع شوائب و تعلقات نفسانی ممکن است. (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۰۵-۳۰۶)

اول، نماز با قوای باطنی: کسانی که در مراتب بالاتر از نفس حیوانی هستند، نمازگزاران باطنی می‌باشند. اگر قوه روحانی و عقلانی غالب شود و انسان از وابستگی‌های دنیوی رها شود، به عبادت خالص و نماز حقیقی می‌رسد و شایسته دریافت فیض الهی و سعادت اخروی می‌شود. (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۰۹) از نظر ابن سینا، روایت پیامبر ﷺ که میفرماید: «المصلی یناجی ربه» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۱۶/۶۸) در مورد این قسم است؛ زیرا شخص عالم عاقل می‌داند که مناجات با پروردگار با اعضای ظاهری و زبان ظاهری ممکن نیست؛ چراکه این قسم از مناجات کردن، مناسب با آن کسی است که محاط زمان است نه محیط، و به چشم دیده می‌شود نه آنکه مجرد باشد. آن واحد حقیقی که منزله از جهات و مکان است، چگونه ممکن است که انسان او را به چشم ظاهر مشاهده کند و با جسم با او مناجات نماید و او را مخاطب قرار دهد. (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۰۶-۳۰۷)

از نظر ابن سینا، نماز حقیقی، همان تضرع نفس به درگاه حق تعالی است تا فیوضات الهی بدون اشاره کردن به جهتی از جهات و یا دخالت داشتن اعضای بدنی، بر او نازل شود و آیه «إن الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر» (عنکبوت: ۴۵) در مورد همین نماز است؛ زیرا وقتی نفس به این مرحله از نماز می‌رسد، عارف به وحدانیت خدا و وجوب وجود او می‌شود. (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۰۷-۳۰۸)

دوم) نماز به شرط علم به واجب الوجود: ابن سینا در بیان دیگری، حقیقت نماز را شبیه ساختن نفس ناطقه انسانی به اجرام فلکی^۱ و طلب عبودیت و اخلاص به حق مطلق برای رسیدن به ثواب و پاداش پایدار و ابدی دانسته است: «تشبه النفس الانسانی الناطق بالاجرام الفلکیة والتعبد الدائم للحق المطلق طلبا للثواب السرمدي». پس حقیقت نماز، علم داشتن به وجود واجب الوجود و تنزیه ذات مقدس و صفات او با خلوص نیت است. مراد از خلوص نیت آن است که انسان بدانند در صفات حق تعالی، تکثر نیست هرچند از نظر مفهوم متفاوت اند اما در عالم عین و واقع دارای یک حقیقت می‌باشند. و نیز انسان باید بداند میان ذات و صفات، دوئیت نیست بلکه صفات حق عین ذات اوست و ذات مقدس حضرت باری تعالی منزّه است از تمام عیوب و غنی مطلق است درحالی که همه به او نیازمند هستند. همه موجودات فانی اند و او باقی است به بقای ابدی و حیات سرمدی. (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۰۳-۳۰۴)

سوم) اهداف و آثار دنیوی و اخروی نماز: ابن سینا، در جای دیگری، عبادت را - با توجه به مرتبه اشخاص در معرفت حق - به دو قسم تقسیم می‌کند: عبادت غیرعارف و عارف. عبادت غیرعارف، نوعی معامله است که انسان برای ثواب و پاداش آخرت آن را انجام می‌دهد، اما عبادت در نظر عارف، ریاضتی است برای قوای متوهمه و متخیله نفس او تا با تکرار و عادت دادن، آنها را از دام غرور به سوی حق هدایت کند. دراین صورت، قوای مذکور با باطن و سر او در هنگام برخورداری از

۱. این نظریه مطابق فلسفه قدماست که گمان می‌کردند اجرام سماوی دارای نفوس عالیه هستند. (انصاری، بی تا، ص ۴۳)



تجلیات حق، هماهنگ و بدون تعارض شده و اتصال به حق برای او ملکه راسخ می‌شود. هدف عارف فقط حق تعالی است و اگر اراده عارف به غیر حق تعلق بگیرد، آن نیز فقط به خاطر حق است. حتی عرفان، بالذات، مطلوب عارف نیست بلکه به خاطر حق است و فقط حق، هدف بالذات عارف است. همچنین، امید به چیزی یا ترس از چیزی در اراده و عبادت عارف مؤثر نیست، وگرنه حق، بالذات هدف نخواهد بود بلکه واسطه خواهد بود. (ابن سینا، ۱۳۹۲، ۴۴۱/۱ - ۴۴۴)

۳. تأثیر قوا و افعال نفس انسان بر نماز

ابن سینا برخلاف نظر قدما، معتقد به وحدت نفس در انسان است و سه جنبه نباتی، حیوانی و ناطقه را، وجوه یک نفس می‌داند. این قوا با هم در ارتباطند و فعالیت‌هایشان بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بدین ترتیب، همه این فعالیت‌ها از یک منشأ واحد نشئت می‌گیرند. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۲۴) از بین نفوس سه‌گانه هر کدام در نفس انسان قوی‌تر باشد و غلبه داشته باشد، انسان تحت تأثیر آن خواهد بود و افعالی که از او صادر می‌شود براساس آن نیرو خواهد بود. (ابن سینا، ۱۳۸۶، ص ۳۳۴ - ۳۳۵)

۳-۱. تعریف نفس

نفس با توجه به ارتباطش با بدن تعریف می‌شود نه به خاطر ذاتش و می‌توان آن را نسبت به صدور افعال، «قوه» نامید. همچنین، نسبت به پذیرش صورت‌های محسوس و معقول نیز «قوه» به شمار می‌آید و نسبت به ماده‌ای که در آن حلول می‌کند، «صورت» است. به لحاظ استکمال جنس و تبدیل آن به نوع، به نفس «کمال» گفته می‌شود. (ابن سینا، ۱۳۸۶، ص ۳۸ - ۴۲)

کمال دو نوع است: کمال اول که نوع را به فعلیت می‌رساند و موجب قوام و تکامل آن می‌شود (مانند شکل برای شمشیر)، و کمال دوم که مربوط به افعال و انفعالات نوع پس از تحقق آن است (مانند بریدن برای شمشیر یا تفکر و احساس برای انسان). کمالات اول مختص نفس است و آن را به عنوان کمال جسم طبیعی معرفی می‌کنند، نه جسم مصنوعی. همچنین، نفس در امور حیاتی به ابزار نیاز دارد و باید به مفهوم آلت در تعریف آن توجه کرد. در مذهب مشاء، روح بخاری به

عنوان ابزاری در نظر گرفته می‌شود که در سه مرکز (مغز، قلب و کبد) حضور دارد و موجب تدبیر و صدور آثار از نفس در جسم می‌گردد. پس نفس این‌گونه تعریف می‌شود: «هی کمال اول لجسم طبیعی آلی له أن يفعل أفعال الحیاة؛ نفس کمال اول جسم طبیعی آلی است که می‌تواند افعال حیاتی انجام دهد». (ابن سینا، ۱۳۸۶، ص ۴۸-۵۰)

۳-۲. نفس نباتی انسان و تأثیر قوا و افعال آن بر نماز

۳-۲-۱. تعریف، انواع، قوا و افعال نفس نباتی

فلاسفه به تحریک بی‌اراده و بی‌شعور نیروهای نفسانی در اجسام، «قوای نباتی» می‌گویند. (ابن سینا، ۱۳۹۲، ۲۲۷/۱) نفس نباتی به کمال اول جسم طبیعی آلی از آن جهت که تولیدمثل و نمو و تغذیه دارد، تعریف می‌شود. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴) هر انسانی برای بقای خود، به وجود سه قوه نیاز دارد: غاذیه؛ منمیه و مولده.

اول قوه غاذیه: غاذیه نیرویی است که کار آن حفظ بدن و شخص است (ابن سینا، ۱۴۰۰، ص ۳۰۰) و با جذب غذا که بالقوه شبیه بدن است، آن را بالفعل مشابه بدن می‌کند. قوه غاذیه با کمک چهار قوه دیگر (قوه جاذبه، ماسکه، هاضمه و دافعه) اجزای تجزیه‌شده بدن را جانشین می‌کند. اگر چیزی جانشین نشود، مزاج به سرعت از میان رفته و استعداد پذیرش نفس معدوم می‌شود و ترکیب عناصر متضاد که باعث علاقه نفس به بدن بود، تباه می‌شود. پس هیچ نفس ارضی^۱ برای بقا و حفظ بدن، از این قوه بی‌نیاز نخواهد بود. (ابن سینا، ۱۳۹۲، ۲۲۷/۱-۲۲۸)

دوم قوه منمیه: پس از به دست آوردن ماده‌ی غذایی توسط قوه غاذیه و خادمان آن، قوه منمیه به رشد و کمال جاندار تا حد شایسته آن می‌پردازد. قوه منمیه با تصرف در ماده غذایی، آن را صرف رشد و ازدیاد ماده اصلی بدن می‌کند. بدین ترتیب، در طول زمان، بدن جاندار به کمال شایسته خود نزدیک شده و خلقت آن به اتمام می‌رسد. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷-۲۶۸)

۱. نفس ارضی یا زمینی با سه قسم نفس نباتی و حیوانی و انسانی، قسیم نفس آسمانی است که مربوط به افلاک است.

سوم، قوه مولده: بدن از عناصر متضاد تشکیل شده و به جدایی تمایل دارد، به همین دلیل با گذشت زمان، مزاج افراد تغییر می‌کند و از بین می‌روند. با این حال، با جایگزینی افراد جدید، طبایع نوعی باقی می‌مانند. به همین دلیل، به نفس نباتی قوه‌ای داده می‌شود تا مواد غذایی را دریافت و برای ایجاد مثل، صرف کند. (ابن سینا، ۱۳۹۲، ۲۲۸/۱)

۳-۲-۲. تأثیر قوا و افعال نفس نباتی بر نماز

بیان شد که نفس نباتی سه قوه دارد که مهم‌ترین آنها غاذیه با کارکرد بقای موجود زنده است. غاذیه با کمک قوای فرعی، مواد غذایی را جذب و جایگزین مواد تحلیل رفته می‌کند. قوه نامیه مسئول رشد و تکامل است و قوه مولده برای تولید مثل عمل می‌کند. نفس برای انجام اعمال خود به بدن نیاز دارد و قوای سه‌گانه نفس توسط بدن به فعلیت می‌رسند. روح بسیاری از فعالیت‌های عملی و ادراکی، خود را از طریق بدن انجام می‌دهد، به طوری که افعال مانند دیدن و تفکر به روح تعلق دارند و با کمک ابزار و اعضای بدنی انجام می‌شوند.

غذایی که انسان می‌خورد با تبدیل شدن به بخشی از بدن، بر مزاج تأثیر می‌گذارد و این تغییرات در مزاج، بر خلقیات نفسانی و حالات روحی اثرگذار است. غذا نه فقط بر مسائل معنوی، بلکه بر وضعیت‌های روحی و روانی نیز تأثیر دارد و به شکل‌گیری حالات و صفات روانی کمک می‌کند. بدن به مثابه ابزار نفس عمل می‌کند و تغذیه با تأثیر بر اجزای آن، فعالیت‌های روحی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در نتیجه غذا در شکل‌گیری حالات و شناخت‌های انسانی نقش دارد. (شه‌گلی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۰) در مورد اثر قوه نامیه و مولده نیز همین‌طور است.

براساس آنچه بیان شد می‌توان گفت که قوای نباتی پایین‌ترین سطح از مراتب سه‌گانه نفس انسانی (نباتی، حیوانی و انسانی) است که نقش زیربنایی در تحقق نماز کامل ایفا می‌کند. این قوا با کارکردهای منظم خود، بستر فیزیکی و جسمانی لازم برای عبادت را فراهم می‌سازد.

قوه غاذیه به مثابه محور اصلی قوای نباتی، با چهار قوه فرعی خود (جاذبه، ماسکه، هاضمه و دافعه) مواد غذایی را به انرژی تبدیل کرده و توان جسمانی لازم برای انجام حرکات نماز از جمله ایستادن، رکوع و سجود را تأمین می‌نماید. این قوه با دفع مواد زائد، نشاط و شادابی مورد نیاز

برای عبادت را نیز ایجاد می‌کند. در کنار آن، قوه نامیه با تنظیم رشد متعادل اندام‌ها، هماهنگی حرکات نماز را ممکن کرده و سلامت عمومی بدن را برای عبادت مستمر تضمین می‌نماید. این قوه همچنین با حفظ تعادل اخلاط چهارگانه، شرایط بهینه جسمانی برای عبادت را فراهم می‌آورد. قوه مولده نیز به مثابه سومین قوه نباتی، با تضمین بقای نسل انسان، تداوم سنت نماز در جامعه را ممکن نموده و نسل‌های آینده را به عبادت خداوند متصل می‌کند.

باید دقت شود که قوا در تعادل باشند؛ زیرا پرخوری توجه روح را به امور بدنی افزایش می‌دهد و مانع تفکر صحیح می‌شود. در این حالت، روح به جای تمرکز بر سلوک و مراقبه، به مدیریت نیازهای جسمی مشغول می‌شود و از اهداف اصلی دور می‌ماند. این وضعیت مانند فعالیت‌های غیرحکیمانه برای فرد حکیم است که موجب تضعیف او می‌شود. کم‌خوری توجه روح به بدن را کاهش داده و به تقویت روح و آزاد شدن آن از مادیات کمک می‌کند. هرچه توجه به امور بدنی بیشتر شود، روح ضعیف‌تر می‌گردد و افراط در خوردن انسان را از جنبه‌های عالی‌تر زندگی باز می‌دارد. (شه‌گلی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۲) البته کم خوردن هم به گونه‌ای که قوای بدن ضعیف شود و انرژی موردنیاز را دریافت نکند، باعث اختلال در عملکرد نفسانی و روحانی می‌گردد. بنابراین همان‌گونه که در مبحث جسم هم گفته شد، بهترین حالت، رعایت اعتدال است.

این قوا در ارتباط با سطوح بالاتر نفس، از سویی، زمینه‌ساز فعالیت بهتر قوای حیوانی در اجرای دقیق حرکات نماز است و از سوی دیگر، با هدایت قوای عقلانی و انسانی، آنها را در خدمت اهداف عالی‌تر عبادت قرار می‌دهند. در این سلسله مراتب، اختلال در هر سطح می‌تواند عملکرد سطوح بالاتر را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، در سیر تکاملی نماز از ظاهر به باطن، قوای نباتی در نماز ظاهری نقش مستقیم و اساسی در اجرای حرکات بدنی دارند؛ حال آنکه در نماز باطنی، با تأمین سلامت جسمانی، زمینه تمرکز روحی و حضور قلب را فراهم می‌کنند. این سیر تکاملی تنها در سایه هماهنگی و تعامل تمام مراتب نفس ممکن می‌شود.

۳-۳. نفس حیوانی انسان و تأثیر قوا و افعال آن بر نماز

۳-۳-۱. تعریف، انواع، قوا و افعال نفس حیوانی

نفس حیوانی به کمال اول جسم طبیعی آلی گفته می‌شود که جزئیات را ادراک کرده و حرکت ارادی دارد. این نفس دو قوه دارد: قوه مدرکه و قوه محرکه. قوه مدرکه شامل حواس پنج‌گانه، حس مشترک، خیال، متخیله و واهمه است که صورت‌ها و معانی جزئی را ادراک، حفظ، ترکیب و تفصیل می‌کند. به نظر شیخ، این قوا جسمانی و مادی‌اند. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵)

اول، قوه مدرکه: در يك تقسیم ثنائی، قوای مدرکه به قوای ظاهری (حواس پنج‌گانه) و قوای باطنی تقسیم می‌شود. از آن‌جا که قوای ظاهری واضح است و نیاز به دلیل ندارد، در اینجا ذکر نمی‌شود. قوای مدرکه باطنی پنج قسم است:

- حس مشترک: قوه‌ای که مدرک صور است و صورت تمام محسوسات را ادراک می‌کند.
- خیال یا مصوره: قوه‌ای که حس مشترک را در حفظ صور کمک می‌کند و صور جزئی را حفظ می‌نماید.

- متخیله یا متفکره: قوه‌ای که در مدرکات، اعم از صور و معانی جزئی، تصرف می‌کند و به دو دلیل «متخیله» و «متفکره» نامیده می‌شود.

- وهم یا متوهمه: قوه‌ای که مدرک معانی جزئی است و معانی وهمی را ادراک می‌کند.

- حافظه یا ذاکره: قوه‌ای که وهم را در حفظ معانی یاری می‌دهد.

- از میان این پنج قوه، «حس مشترک» و «وهم»، مدرک هستند، اما ادراکات باطنی فقط با حضور همه پنج قوه انجام می‌شود و به همین دلیل همه آنها مدرک نامیده شده‌اند. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶)

ابن سینا در مورد نقش قوای ادراکی می‌فرماید که تمام مدرکات انسان در خدمت عقل عملی قرار می‌گیرند تا این عقل که هدفش تکمیل عقل نظری و ترکیه آن است، بتواند تدبیر و ارتباط صحیحی داشته باشد و مدبر ارتباط بین نفس و بدن شود. پس نه تنها قوای واهمه و متخیله در کارهای عقل عملی به او کمک می‌کنند، بلکه همه قوای ادراکی چنین نقشی دارند. قوه واهمه و

متخیله با به کارگیری صورت‌های خیالی، طرح‌ها و نقشه‌هایی برای سامان‌دهی به امور روزانه و تسهیل کارها می‌کشند. این طرح‌ها و فرضیات گوناگون منجر به کشف و ابداع در زمینه‌های مختلف زندگی دنیوی می‌شود و متصرفه تحت تدبیر واهمه، از صور و معانی، نقش‌های بدیع و شگفت‌آوری در زندگی می‌آفریند. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳)

دوم) قوه محرکه: قوه محرکه دو نوع است: ایجادکننده انگیزه برای حرکت و انجام‌دهنده و فاعل حرکت. اولی، قوه میل و شوق است که دو شاخه دارد: قوه شهوانی (این قوه محرکه را برمی‌انگیزد تا به صورت مطلوب یا نامطلوبی که تخیل شده، با هدف لذت بردن، نزدیک شود) و قوه غضبیه (این قوه محرکه را برمی‌انگیزد تا برای به دست آوردن پیروزی، صورت موردنظر را تخیل کند؛ خواه نافع باشد خواه غیرنافع). (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶) قوه شهوت و غضب هرکدام کمالی دارند که باید به آن برسند؛ نه وجود آنها در انسان زائد و اضافه است و نه کمال وجودی آنها. اگر این دو قوه نبود، بقای فرد و بقای نوع، تضمین نمی‌شد. اینها باید باشند، ولی در حد اعتدال و تحت فرمان عقل و شرع. (ابن سینا، ۱۳۸۶، ص ۳۵۳)

قوه محرکه‌ای که فاعل حرکت است در اعصاب و عضلات قرار دارد و کارش تحریک عضلات است. این قوه عضلات را به طرف مبدأ (مغز) می‌کشد یا آنها را شل می‌کند و یا در طول می‌کشد. ایجاد کشش‌های متقابل در تاندون‌ها و رباط‌ها به گونه‌ای است که با انقباض یک گروه عضلانی، گروه مخالف به طور همزمان شل می‌شود و این چرخه معکوس، حرکت روان اندام‌ها را ممکن می‌سازد. نکته ظریف در عمل این قوه، جهت‌گیری معکوس نیروها نسبت به مبدأ فرماندهی (مغز) است، بدین معنا که هر حرکت به صورت کششی مخالف با جهت مرکز عصبی آن عمل می‌کند. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷)

۳-۲. تأثیر قوا و افعال نفس حیوانی بر نماز

گفتیم که نفس حیوانی دارای دو دسته قوای اساسی است: قوای مدرکه و قوای محرکه. قوای مدرکه خود شامل حواس پنجگانه ظاهری و پنج قوه باطنی است که با همکاری یکدیگر فرآیند ادراک را ممکن می‌کند. ابتدا حواس پنجگانه که همچون پنجره‌هایی به جهان خارج است،

جزئیات را از خارج جمع‌آوری می‌کند که این اطلاعات در حس مشترک سازماندهی و یکپارچه می‌شود. سپس قوه خیال این تصاویر را حفظ می‌کند و قوه متخیله به پردازش و ترکیب آنها می‌پردازد. در سطح بالاتر، قوه وهم، معانی غیرمحسوس را استخراج می‌کند و حافظه این معانی را ذخیره می‌نماید. این نظام ادراکی در نهایت در خدمت عقل نظری و عملی قرار می‌گیرد تا انسان بتواند به شناخت و تدبیر امور بپردازد. در کنار این نظام ادراکی، قوای محرکه قرار دارد که خود به دو بخش تقسیم می‌شود: قوه محرکه انگیزشی شامل قوه شهوانی که به دنبال جذب لذات است و قوه غضبیه که برای دفع ضررها فعال می‌شود؛ و قوه محرکه اجرایی مسئول انجام حرکات بدنی است. وجود قوای حیوانی ارتباط نفس با جهان مادی را فراهم می‌کند و زمینه‌ساز فعالیت‌های شناختی و حرکتی انسان است. تمامی این قوا در نهایت در خدمت عقل قرار می‌گیرد تا انسان بتواند هم در حوزه نظر به کشف حقایق نائل آید و هم در حوزه عمل به تدبیر امور زندگی بپردازد.

قوای مدرکه نقش مهمی در شکل‌گیری نماز دارند. بیان شد که حواس پنجگانه اولین درجه‌های ادراک است و در دریافت محرکات محیطی هنگام نماز اثر دارد. حس مشترک، این اطلاعات را منظم می‌کند؛ قوه خیال تصاویر نماز را حفظ می‌کند؛ متخیله این تصاویر را پردازش می‌نماید؛ وهم، معانی عمیق‌تر نماز را درک می‌کند و حافظه تجربیات نماز را ذخیره می‌کند. اگر این قوا مدیریت نشود، حواس پنجگانه عامل اصلی پراکندگی ذهن در نماز می‌شود. خیال، تصاویر مزاحم را ذخیره می‌کند، وهم منشأ تخیلات و اوهام نادرست می‌شود و حافظه مشغولیات دنیوی را یادآوری می‌کند.

قوای محرکه در اجرای نماز تأثیر مستقیم دارد. قوه شهوانی ممکن است از راه ایجاد میل به لذایذ مادی، انحراف توجه از معنویت نماز و تقویت تمایلات نفسانی، موجب حواس‌پرتی شود. قوه غضبیه هم ممکن است گاه ایجاد بی‌قراری و اضطراب کند و نیز باعث کاهش خشوع و حضور قلب و ایجاد حالت تعجیل در نماز شود. در کنار اینها، قوای اجرایی بدن، حرکات نماز را اجرا می‌نماید.

هرچه توجه مدرکات حسی و خیالی و وهمی انسان نسبت به جهان و نعمت و عظمت خداوند بیشتر باشد، عقل، توجه بیشتری به خداوند خواهد داشت و ترکیه عقل عملی قوی‌تر خواهد بود.

نماز حقیقی زمانی محقق می‌شود که قوای مدرکه به طور کامل متوجه معبود باشد، قوای محرکه تحت کنترل عقل قرار گیرد، وهم معانی عمیق عبادت را درک کند و حافظه تجربیات معنوی گذشته را یادآوری نماید. براین اساس، موانع نماز حقیقی عبارتند از: غلبه قوه شهوانیه، تشدید فعالیت قوه غضبیه، پراکندگی حواس پنجگانه، ضعف در تمرکز قوه متخیله. درمقابل، راه‌های تقویت نماز عبارتند از: تربیت قوای مدرکه از طریق تمرکز، کنترل قوای محرکه با ریاضت شرعی، تقویت ارتباط بین عقل و وهم، بهره‌گیری از حافظه برای یادآوری حالات خاشعانه. کیفیت نماز انسان تابع تعادل بین این قواست؛ هرچه قوای عالی‌تر (مانند وهم و عقل) فعال‌تر باشد، نماز از ظاهر به باطن گرایش می‌یابد. ذات قوای حیوانی شر نیست، بلکه باید در مسیر صحیح هدایت شوند. نماز واقعی زمانی است که این قوا در خدمت عقل و روح قرار گیرد، نه اینکه مانع سیر روحانی انسان باشد.

از نظر ابن سینا فردی که قوای انسانی او قوی‌تر است، نماز وی می‌تواند باطنی باشد یا حداقل به نماز باطنی نزدیک شود، اما کسی که قوای حیوانی و طبیعی او غالب باشد، تحت تأثیر این قوا قرار می‌گیرد و نماز او نیز از نوع ظاهری و جسمانی است. چنین فردی همواره عاشق بدن است و تمام توجهش صرف خوردن، نوشیدن، جذب منافع و دفع مضار بدنی و مادی می‌شود. در هواهای نفسانی و شهوات حیوانی غرق شده و از یاد خدا غافل است و توجهی به سوی او ندارد. (ابن سینا، ۱۴۰۰، ص ۳۰۸-۳۰۹)

فردی که فرمان‌بردار و تابع شهوت و غضب خود است، ممکن است که در این دنیا آسوده و خوشحال باشد، ولی در آخرت دچار زیان می‌شود. هرچند بعضی در این دنیا نیز گرفتار می‌شوند و به واسطه شهوت‌رانی و غضب خود، تا آخر عمر از پشیمانی و پریشانی عذاب می‌کشند. بر این افراد واجب است در امور ظاهری شرعی غفلت نکنند و از عقل فعال یاری جویند تا از عذاب رهایی یابند. در غیر این صورت، ضررهای فراوانی خواهند دید و به صراط انسانیت وارد نخواهند شد. (ابن سینا، ۱۳۸۶، ص ۳۳۴-۳۳۵)

کسانی که قوای حیوانی آنها (مثل شهوت و غضب) در حد اعتدال باشد، افراط و تفریط نداشته باشد و براساس عقل و شرع عمل کنند، فضائل انسانی در آنها رشد پیدا خواهد کرد. وجود قوای شهوی و غضبی برای بقای فرد و نوع، ضروری است، اما باید تحت فرمان عقل و شرع باشند تا وسیله سعادت و سربلندی در دنیا و آخرت شوند. زیان دیدن از خشم و شهوت، ناشی از کاربرد غلط آنهاست. با حاکمیت عقل، انسان در معاش و معاد خود زیان نمی بیند. (ابن سینا، ۱۳۸۶، ص ۳۳۴-۳۳۵)

۳-۴. نفس ناطقه انسان و تأثیر قوا و افعال آن بر نماز

۳-۴-۱. تعریف، قوا و افعال نفس ناطقه

تعریف نفس انسانی این است: «کمال اول جسم طبیعی آلی است، از آن جهت که افعال خود را با اختیار فکری و استنباط به رأی انجام می دهد و امور کلیه را ادراک می کند». (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶) بوعلی می گوید: نفس ناطقه که شریف ترین قوه است، شریف ترین فعل را دارد. فعل او تأمل در مصنوعات و تفکر در جهان هستی است. توجه نفس ناطقه همیشه به سوی عالم اعلاست و به مقاصد پست علاقه ای ندارد. شأن او کشف حقایق بوده و با ذهن صاف و حدس کامل در حال یافتن دقیق حقایق است. خداوند نیروی نطق را به نفس ناطقه داده است که به هیچ یک از ارواح نداده است. نطق، زبان فرشتگان است که دریافت بدون حس و فهماندن بدون سخن است. رابطه انسان با ملکوت اعلا به واسطه نطق واقعی است و تکلم معمولی مخصوص انسان است. کسی که با نطق واقعی آشنایی ندارد، از بیان حق و حقیقت ناتوان است. (ابن سینا، ۱۴۰۰، ص ۳۰۲-۳۳۳)

۳-۴-۲. قوه نظری و عملی

قوای نفس انسان به دو دسته عالمه (نظری) و عامله (عملی) تقسیم می شود. هر دو قوه دارای یک حقیقت هستند و افعال گوناگون از آن صادر می شود و به هردو عقل گفته می شود. قوه عالمه مبدأ دریافت است و از عالم بالا تأثیر می پذیرد. دریافت به دو صورت است: یکی علمی که به عمل

تعلق نداشته باشد، مانند علم به آسمان و زمین که مبنای حکمت نظری است؛ و دیگری علمی که به عمل بستگی دارد، مانند دریافت اینکه عدل خوب و ظلم بد است، که مبنای حکمت عملی است. عقل عملی برخلاف عقل نظری مصدر افعال گوناگونی است و در بدن و جهان ماده تأثیر دارد. انجام عمل در عقل عملی بدون دریافت ممکن نیست، لذا عقل عملی ناچار از عقل نظری کمک می‌گیرد و تکالیف خود را با توجه به مقدمات کلی به وسیله عقل نظری معین می‌کند. برای مثال، از مقدمه کلی «انجام هر عمل نیکویی شایسته است»، قاعده «راستگویی عملی شایسته است» به کمک عقل نظری به دست می‌آید. همچنین عقل عملی در امور جزئی نیز به کمک عقل نظری تشخیص می‌دهد که این عمل راستگویی است و انجام آن لازم است. اگر این مقدمات و کمک عقل نظری نبود، عقل عملی از کار می‌ماند و نمی‌توانست ضروریات را از غیر ضروریات تشخیص دهد. (ابن سینا، ۱۳۹۲، ۱/۱۸۸)

دو قوه مذکور به نفس ناطقه داده شده است تا امور کلی و حقایق تکوین را بفهمد و یا افعالی را که ناشی از اختیار فکری و تمیز خوب و بد هستند، تشخیص و انجام دهد. کار و هدف قوای نظری انسان، فهم عالم تکوین است و قوه عملی، قوانین و ضوابط را به دست می‌آورد و برای رفع نیازها و به دست آوردن ملکات اخلاقی استفاده می‌کند. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵) عقل عملی در افعال خود نیازمند بدن است؛ زیرا برای پیاده کردن مدرکات خود به قوای تحریکی بدن نیاز دارد. عقل نظری نیز به بدن نیازمند است، اما نیاز آن همیشگی نیست. نخستین ارتباط انسان با خارج، از راه حواس است، ولی در نهایت، عقل نظری می‌تواند ادراکاتی داشته باشد که از حواس ظاهری نیامده است. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۵۰۰؛ مازندرانی، ۱۳۶۴، ص ۱۷۹-۱۸۰)

اول، مراتب قوه نظری: عقل نظری براساس شدت و ضعف دارای مراتبی است که از عقل هیولانی (استعداد محض بدون هیچ دانشی مانند لوح نانوشت) آغاز می‌شود و با کسب معقولات اولیه به عقل بالملکه (ظرفیت کسب معقولات ثانویه) ارتقا می‌یابد. وقتی نفس، معقولات ثانویه را بالفعل کسب کند، به عقل بالفعل (توانایی یادآوری و به‌کارگیری دانش‌های اندوخته) می‌رسد و در نهایت با اتصال به عقل فعال و دریافت شهودی معارف، به عقل مستفاد (کمال نهایی عقلانی) متحول

می‌شود. (ابن سینا، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰-۱۹۱) ابن سینا علاوه بر این مراتب، به عقل قدسی اشاره می‌کند که ویژه کسانی است که با قوه حدس فوق العاده قوی، قادرند بدون طی مراحل استدلالی، به حقایق دست یابند. (ابن سینا، ۱۳۹۲، ۱/۱۹۴-۱۹۵)

۳-۴-۳. تأثیر قوا و افعال نفس ناطقه بر نماز

نفس انسانی، شریف‌ترین نفس است و فعل او تفکر و تأمل در هستی و کشف حقایق است. ویژگی خاص این نفس «نطق» است که کشف حقایق توسط آن صورت می‌گیرد و نفس ناطقه را با عالم مجردات مرتبط می‌کند. کسانی که صفت «نطق» برای آنها حاصل نشده است از بیان حقایق عاجزند. علم و ادراک نفس فواید زیادی دارد، از جمله یاد و نیایش و عبادت خدا. هنگامی که انسان به معرفت خداوند می‌رسد و لطف او را دریافت می‌کند، به تأمل در حقیقت آفرینش می‌پردازد و گوهرهایی را ادراک می‌کند که توأم با حق و حقیقت‌اند. آنگاه نفس به واسطه نطق، خود را شبیه به آن گوهرها می‌بیند و شباهتی از حیث بقا و جاودانگی احساس می‌کند. همچنین با تفکر درمی‌یابد که آفرینش از سوی خداوند است و در نتیجه به ادراک مراتب آن موجودات اشتیاق پیدا کرده و به نیایش پرداخته و در حال قیام به ذکر خداوند مشغول می‌شود. (ابن سینا، ۱۴۰۰هـ.ق، ص ۳۰۲-۳۳۳) از این بیان روشن می‌شود که اگر انسان به تفکر و تدبیر در حقیقت هستی بپردازد و به ادراک و معرفت آن برسد، برای رسیدن به آن حقیقت ناب، به نماز و عبادات دیگر می‌پردازد.

افرادی که قوای روحانی آنها بر قوای طبیعی و حیوانی غلبه دارد، نفس ناطقه ایشان بر تمامی قوا مسلط می‌شود و انسان را از سرگرمی‌های پست و لذت‌های مادی رها می‌کند. این انسان‌ها کارهای خود را با تدبیر و حکمت انجام می‌دهند و اعضا و جوارح خود را تحت تعلیم شارع قرار می‌دهند. با پیروی بدن از روح، مشابهتی بین روح و بدن ایجاد می‌شود که فرماندهی عقلانی روح، موجب مشاکلت تن و جان خواهد شد. قوای بدنی نه تنها مانع حرکت متعالی نیستند، بلکه قوای طبیعی مانند غضب و شهوت با روح همسو هستند. بنابراین، اگر غضب دارند، فقط در راه خداست و اگر شهوت دارند، چیزی را طلب می‌کنند که رضایت خدا را در آن می‌بینند. در نهایت، کسی که همه حرکات و سکناتش زیر نفوذ قوه عاقله است، به ملکوت می‌رسد و اشرف مخلوقات خواهد شد.

(ممدوحی، ۱۳۹۱، ص ۴۳-۴۴) چنین انسانی به واسطه پاکی نفسش به نماز حقیقی و باطنی می‌رسد و با عشق و محبت خداوند مستعد دریافت فیض پروردگار می‌شود. این انسان، پس از جدایی از بدن مادی، خیرات عالم اعلی و سعادت‌های اخروی را مشاهده خواهد کرد و با چشم بصیرت، پروردگار خود را می‌بیند و با ساکنان عالم ملکوت هم‌نشین خواهد شد. این نوع نماز، مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در شب معراج از بدن مادی جدا شد و به مناجات با پروردگار پرداخت. پیدایش روح و باطن نماز فقط برای انسان‌های کامل ممکن است و نیازمند پاکی از شوائب و تعلقات نفسانی است. مشاهده جمال و جلال خداوند باید بدون خاطرات ذهنی و توجه به کثرات باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «المصلی یناجی ربه» و مناجات با حق تعالی با زبان نیست، بلکه قلب پیش از زبان سخن می‌گوید. اتصال جان انسانی با هستی‌آفرین از طریق دگرگونی باطنی و روحی صورت می‌گیرد و توجه به خداوندی که فراتر از زمان و مکان است، باید خارج از مفاهیم مادی باشد. بنابراین، جان و روح باید در حقیقت مجرد خود، محو در عظمت و احاطه او باشند. (ممدوحی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۱۰)

از این رو، نماز ظاهری برای رهایی از تعلقات دنیوی و نزدیکی به خداست، در حالی که نماز باطنی، ارتباط عمیق روحانی انسان کامل با ذات بی‌نهایت الهی است که فراتر از زمان، مکان و تصورات بشری است. با رسیدن به این مقام است که فرمود: «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت: ۴۵)؛ یعنی نماز انسان را از فحشا و منکرات باز می‌دارد و خود انسان دارای وحدانیت خاص می‌شود که با وحدانیت مطلق مرتبط می‌گردد و پرتویی از کمالات و قدرت و حکمت را در خود می‌یابد. (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۳۱۱)

۴. نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت نتیجه می‌شود که در اندیشه ابن سینا حقیقت نماز، معرفت و شناخت حق، مطلق است و تحلیل «لیعبدون» در قرآن به «لیعرفون» بیانگر نگاه عرفانی و فلسفی او به نماز است. ابن سینا نماز را به دو قسم ظاهری و باطنی تقسیم می‌کند. نماز ظاهری همان تکلیفی است که با

اعضای ظاهری و مادی انجام می‌شود و نمودی از نماز باطنی است؛ نماز غیرعرفاء یعنی، کسانی که در مرتبه نفس حیوانی هستند، محدود به همین نماز است. نماز باطنی همان حقیقت نماز است که توسط روح مجرد و پاکیزه انجام می‌شود؛ زیرا در آن مشاهده و شناخت حق تعالی بدور از شوائب و تعلقات مادی صورت می‌گیرد. این نماز انسان کامل و عرفا است که قوای روحانی و عقلانی‌شان بر قوای طبیعی و حیوانی غلبه دارد.

کار منظم قوای نباتی، باعث هماهنگی اعضا و قدرت جسمانی است. در سیر تکاملی نماز از ظاهر به باطن، قوای نباتی در نماز ظاهری نقش مستقیم و اساسی در اجرای حرکات بدنی دارند و در نماز باطنی، با تأمین سلامت جسمانی، زمینه تمرکز روحی و حضور قلب را فراهم می‌کنند.

قوای محرکه حیوانی در نماز ظاهری تأثیر مستقیم دارد. قوه شهوانی اگر در تعادل نباشد، موجب انحراف توجه از معنویت نماز و تقویت تمایلات نفسانی شود. قوه غضبیه هم ممکن است گاهی باعث کاهش خشوع و حضور قلب و ایجاد حالت تعجیل در نماز شود. در مورد قوای مدرکه نیز همینطور است؛ هرچه توجه مدرکات حسی و خیالی و وهمی انسان نسبت عظمت خداوند بیشتر باشد، عقل، توجه بیشتری به خداوند خواهد داشت و ترکیه عقل عملی قوی تر خواهد بود. نماز از ظاهری به باطنی زمانی می‌رسد که قوای مدرکه کاملاً متوجه معبود باشد، قوای محرکه تحت کنترل عقل قرار گیرد.

قوای عقلانی «عالمه و عامله»، در نماز باطنی نقش دارند و کسانی که این قوا در نفسشان قوی تر باشد، نفس آنها با ادراک معانی باطنی ادکار و اتصال به عقل فعال، نماز را به بالاترین مرتبه می‌رساند و آن مقام «المصلی یناجی ربه» است. وقتی فردی به این مقام می‌رسد نمازش مصداق آیه «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر» می‌شود.

براساس دیدگاه ابن سینا می‌توان گفت که نماز کامل در صورتی محقق می‌شود که همه قوای انسان در تعادل و تحت کنترل قوه عقل باشد.

پیشنهادهات: برای روشن و متقن کردن مسائل دینی، پیشنهاد می‌شود که از مبانی فلسفی و علوم انسان‌شناسی بیشتر استفاده شود. فلسفه با ارائه تفکرات عمیق و منطقی، می‌تواند به تحلیل و تبیین مفاهیم دینی کمک کند و درک بهتری از اصول و آموزه‌های دینی فراهم آورد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۵). النجات (الهیات). شرح و ترجمه: یثربی، یحیی. قم: بوستان کتاب.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۶). الاشارات و التنبیهات؛ نمط هفتم اشارات. مترجم: بهشتی، احمد. قم: بوستان کتاب.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۷). الاشارات و التنبیهات؛ نمط سوم. مترجم: سعادت مصطفوی، حسن. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۷). النفس من الشفاء. مترجم: نائیجی، محمدحسین. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۹۲). الاشارات و التنبیهات. ترجمه و شرح: ملک‌شاهی، حسن. تهران: انتشارات سروش.
۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰ هـ.ق). مجموعه رسائل. قم: انتشارات بیدار.
۷. انصاری، توران (بی‌تا). ترجمه و توضیح دورساله از ابن سینا: (دفع اندوه و نگرانی از مرگ؛ حقیقت نماز و فایده آن). بی‌جا: بی‌نا.
۸. حائری مازندرانی، محمدصالح (۱۳۶۴). حکمت بوعلی سینا «حکمت نظری»، مصحح: فضائلی، حسن. تهران: نشر علمی.
۹. دری، ضیاء الدین (بی‌تا). ترجمه و شرح مجموعه رسائل ابن سینا. تهران: مرکزی.
۱۰. شه‌گلی، احمد (۱۳۹۲). تأثیر مبانی فلسفی و جهان‌بینی ابن سینا بر طب سینوی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۹(۷۴)، ۱۲۲-۱۵۱.
۱۱. طاهری، محمود (۱۳۹۲). ترجمه هفده رساله؛ مجموعه رسائل شیخ‌الرئیس ابن سینا. قم: انتشارات آیت اشراق.
۱۲. مازندرانی، محمدصالح بن احمد (۱۳۸۲ هـ.ق). شرح الکافی - الأصول و الروضة. تهران: المكتبة الإسلامية للنشر و التوزيع.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق). بحار الانوار. محقق و مصحح: جمعی از محققان. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
۱۴. ممدوحی، حسن (۱۳۹۱). راز نماز: ترجمه و شرح رساله ماهیه الصلاة ابن سینا. تهران: نشر ادیان.